

دوتا ۲۷۸	بررسی کتاب مقدس / ۵۲
	رومیان ۲: ۱۷-۲۹
T = معلم ۱	S = معلم ۲

(T) به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " خوش آمدید. در این مجموعه از بررسیهای کتاب مقدس، دو معلم، کار بررسی را از رومیان ۲: ۱۷-۲۹ انجام خواهند داد. در رومیان ۲: ۱۷-۲۹ پولس مستقیماً یهودیان را مورد خطاب قرار می‌دهد و آن دسته از مزیتها و امتیازات ویژه‌ای را بر می‌شمرد که یهودیان از بابتشان فخر می‌فرهنگند. در رومیان ۲: ۲۱-۲۴، او خاطرنشان می‌سازد که اگر یهودیان نتوانند به وظایف یا تعلیمات مرتبط با امتیازاتی که از آن برخوردار بودند عمل کنند، این امتیازات تنها باعث تشدید محکومیتشان می‌شود. به حالت تحقیر و خشم فزاینده پولس در مقابله با ریاکاری یهودیان توجه کنید: "دیگران را تعلیم می‌دهی، اما خود نمی‌آموزی." "از بدی کردن نهی می‌کند اما خودت دزدی و زنا می‌کنی و معبدها را غارت می‌کنی." "به شریعت فخر می‌کنی اما با تجاوز از شریعت، خدا را اهانت می‌کنی." "به سبب شما در میان امتهای، خدا را کفر می‌گویند." در رومیان ۲: ۲۵-۲۷ پولس آیین ختنه را ارزیابی می‌کند. و در رومیان ۲: ۲۸-۲۹ پولس صراحتاً در مورد ماهیت و هدف واقعی ختنه تعلیم می‌دهد.

(S) قدم اول . بخوانید .

با هم رومیان ۲: ۱۷-۲۹ را بخوانیم. اگر دو نفر یا بیشتر هستید، هر یک به نوبت یک آیه را بخوانید تا تمام متن خوانده شود. به خاطر کمبود وقت، لطفاً رومیان ۲: ۱۷-۲۹ را بعداً بخوانید.

(T) قدم دوم . کشف کنید .

برخی حقایق مهم را از رومیان ۲: ۱۷-۲۹ کشف کنیم و مورد گفتگو قرار دهیم. "کدام حقیقت در این بخش برای شما مهم است؟" یا "کدام حقیقت در این بخش فکر یا دل شما را لمس می‌کند؟" فکر کنید و پاسخ خود را در دفتر یادداشتان بنویسید. پس از چند دقیقه، به نوبت، کشفیات خود را با یکدیگر در میان بگذارید.

(S) یک حقیقت مهم برای من در رومیان ۲: ۱۷-۲۴، این است که "پولس چگونه ظاهرپردازی یهودیان را در رابطه با انکای آنان بر امتیازات و جایگاهی که دارند برملا می‌کند".

یک "مزایایی که یهودیان به آنها فخر می‌کردند" (۱۷-۱۸).

از زمان تبعید شدن به بابل بود که قوم اسرائیل خود را "یهودی" نامیدند. معنای این نام یعنی "عضوی از حکومت یهودا". آنها از یهودی بودن خود بسیار مفتخر بودند، اما شریعت را اجرا نمی‌کردند. آنها "به خداوند مباهات می‌کردند"، یعنی ادعا داشتند که خدا را می‌پرستند و با خدا مشارکت دارند، اما در واقعیت امر، این فقط یک فخر فروشی بی‌معنا بود. آنها "اراده خدا را می‌دانستند"، یعنی عهد عتیق را بعنوان اراده مکتشف شده خدا در اختیار داشتند. آنها "چیزهای افضل را بر می‌گزیدند"، یعنی بطور مستمر درباره اراده خدا بحث می‌کردند و هر چیزی را برای مطابقت داشتن با اراده خدا امتحان می‌کردند، و هر آنچه را که با آن مغایرت داشت رد می‌کردند و هر آنچه را که بر اساس آن بود بر می‌گزیدند. آنها "در شریعت تعلیم یافته بودند"، یعنی فخر می‌فرهنگند که از طریق شنیدن شریعت، اوامر شریعت را از پدران و معلمان خود آموخته‌اند (نحمیا ۸: ۸).

دو "جایگاهی که یهودیان به آن مباهات می‌کردند" (۱۹-۲۰).

یهودیان خود را نسبت به تمامی اقوام دیگر دنیا برتر می‌دانستند. آنها امتها (غیریهودیان) را از لحاظ روحانی کور محسوب می‌کردند و معتقد بودند که تنها یهودیان می‌توانند دیگران را هدایت کنند. این باعث شد که بجای احساس مسؤولیت، حس برتری به ایشان دست بدهد. آنها می‌گفتند که امتها در ظلمت هستند، و در جهالت بسر می‌برند و طفل محسوب می‌شوند. یهودیان "عدم بلوغ" را با عدم آگاهی از شریعت، و "بلوغ" را با شناخت شریعت برابر می‌دانستند. "هدایت کوران، نور بودن برای ظلمتیان، تادیب جاهلان، و معلم بودن برای اطفال" در حکم فضیلت محسوب می‌شد. اما پولس اعلام کرد که همین فضایل برای یهودیان عیب محسوب می‌شود، زیرا فخر آنها در چیزهایی بود که خود از انجام دادنشان سر باز می‌زدند. یهودیان به دارا بودن کتاب عهد عتیق یا شریعت، یعنی "مظهر معرفت و راستی" مباهات می‌کردند. این بدان معنا است که آنها به داشتن معرفت و راستی به شکل "صورت نظام یافته" یا یک نظام مباهات می‌کردند (رومیان ۶: ۱۷). معهدا، خود یهودیان تنها صاحب "صورتی ظاهری" از عدالت بودند، اما فاقد واقعیت باطنی آن (دوم تیموتائوس ۳: ۵) .

(T) یک حقیقت مهم برای من در رومیان ۲: ۲۱-۲۴، درباره "وجود تناقض آشکار بین ادعاهای یهودیان و آن چیزی است که بر راستی بدان عمل می‌کردند". تصور تحریف شده از امتیازات یهودیان، باعث شد تا آنها از خود راضی باشند و این رضایت از خود منجر به ریاکاری آنان شد. پولس به قصد خارج کردن آنان از احساس رضایتی که نسبت به خویش داشتند، ریاکاری ایشان را برملا می‌کند. او از تعالیمی که یهودیان به دیگران انتقال می‌دادند اما خود بدانها عمل نمی‌کردند، سه مثال می‌آورد: یعنی نهی از بت پرستی، زنا، و دزدی. بت پرستی و فساد جنسی دقیقاً گناهانی بودند که امتها مرتکب می‌شدند، گناهایی که یهودیان به شدیدترین نحو ممکن محکومشان می‌کردند، اما خود نیز مرتکب می‌شدند. یهودیان هر جا قدرت می‌یافتند، به احتمال زیاد "معبدها را غارت" می‌کردند. هیچ چیز بیش از هتک حرمت به معابد امتهای، خشم امتهای را بر نمی‌انگیخت. علاوه بر این، یهودیان نیز تا حد بسیار زیادی در بی‌احترامی نسبت به خدا گناهکار بودند، که همین خود، اساس بت پرستی محسوب می‌شد. آنها معبد (هیکل) خود را تبدیل به "مغاره دزدان" ساختند (متی ۲۱: ۱۳). آنها مطالبات خدا را از او دریغ داشتند و مذهب خود

را نه برای جلال خدا، بلکه برای جلب احترام انسان اجرا می‌کردند (مرقس ۷: ۱-۱۳). یهودیان به برخورداری از احکام خدا فخر می‌فروختند اما با زیرپا گذاشتن احکام، به خدا بی‌احترامی می‌کردند. براساس یعقوب ۲: ۱۰ و ۴: ۱۱-۱۲، ناطاعتی از شریعت توهینی است نسبت به شأن آن قانونگذار اعظم، یعنی خود خدا، و این باعث می‌شود که امتها اسم خدا را کفر گویند. "امتها انتظار داشتند که هر امتی شبیه خدای خود باشد". پس اگر قومی مرتکب جنایاتی همچون غارت معبد می‌گردید، بنابراین نتیجه‌گیری می‌کردند که خدای ایشان نیز باید همان خصیصه را دارا باشد، پس باید به همین منوال نیز به او بی‌احترامی کرد.

(S) قدم سوم . سوال کنید .

بیابید تمام حقایق موجود در رومیان ۲: ۱۷-۲۹ را درک کنیم و سوالات خود را در باره نکاتی که هنوز درک نکرده‌ایم مطرح سازیم. "چه سؤالی در مورد هر نکته‌ای از این بخش مایلید از گروه بکنید؟" فکر کنید و سوال خود را در دفتر یادداشتان بنویسید. سپس راجع به سوالات گفتگو کنید و سعی کنید پاسخ آنها را بیابید. اولین سوال (۲: ۲۵-۲۷) "به چه دلیل پولس می‌گوید که ختنه جسمانی همچنان دارای ارزش است؟"

(T) یک "ختنه جسمانی یهودیان تنها زمانی ارزشمند است که الزامات عهدعتیق رعایت شده باشند (۲۴)." در رساله به رومیان واژه "شریعت" دارای معانی گوناگونی است و معنی صحیح، وابسته به چارچوبی است که کلمه در آن به‌کار رفته است. در اینجا، منظور از واژه "شریعت"، احکام تشریفاتی مختلف در عهدعتیق نیست، بلکه منظور بیشتر پیمان عهدعتیق است. در پیمان عهدعتیق، خدا قول داد تا خدای ایشان باشد و آنها قوم خدا (پیدایش ۱۷: ۷). این عهد حاکی از وعده و فیض است. شروط لازم (۲۶) در این عهد عبارت بود از ایمان به وعده خدا (ر.ش. پیدایش ۱۵: ۵-۶) که در اطاعت نشان داده می‌شد (ر.ش. پیدایش ۲۲: ۱۷-۱۸). نشانه و مهر این عهد عبارت بود از عمل ختنه (پیدایش ۱۷: ۹-۱۴).

پولس معتقد بود که ختنه تنها هنگامی دارای ارزش است که یهودیان شرط لازم ایمان را بجا آورند و ایمان خود را از طریق اطاعت خویش نشان دهند. اگر یهودیان فاقد ایمان بودند و مطیع نبودند، پس ادعای آنان نسبت به وعده‌های خدا تنها به منزله گستاخی و حتی ریشخندی بی‌معنا بود. پس در رومیان ۲: ۲۵-۲۷ "نگاه داشتن شریعت" برابر است با "نگاه داشتن عهد". و زیرپا گذاشتن شریعت برابر است با "شکستن عهد". هرگاه شروط لازم عهد خدا نادیده گرفته یا زیرپا گذاشته شوند، عمل ختنه به نامختونی تبدیل می‌شود و علامت ظاهری ختنه اهمیت خود را از دست می‌دهد (۲۵).

(دو) "در صورت رعایت شدن شروط لازم عهد، نامختونی امتها، عهد خدا را ابطال نمی‌کند (۲۶)."

"در اینجا، نگاه داشتن احکام شریعت" به امتهای بی‌ایمانداری که بر اساس ۲: ۱۴ از طبیعت اخلاقی و وجدان خویش اطاعت می‌کنند، اشاره نمی‌کند. بلکه این اشاره‌ای است به "امتهایی که بر اساس رومیان ۱: ۱۶-۱۷ مسیحی شده‌اند". بخش اعظم مسیحیان غیریهودی نامختون هستند. اما از آنجاییکه آنها از طریق ایمان و اطاعت خود از عیسی مسیح، احکام عهد را بجا می‌آورند، پس آنها "قوم راستین خدا" محسوب می‌گردند و حتی "اسرائیل خدا" نامیده می‌شوند (ر.ش. غلاطیان ۶: ۱۲-۱۶). هرچند این غیریهودیان در جسم نامختون هستند، اما در دل مختون می‌باشند و خدا این را یگانه ختنه راستین به حساب می‌آورد (۲۸-۲۹). از سویی، آیین ختنه جسم، جدا از نشانه‌ای که بر آن دلالت بکند، ارزش دیگری ندارد. و از سوی دیگر، هرگاه نشانه‌ای که آیین ختنه بر آن دلالت می‌کند حاضر باشد، عدم حضور نشانه در جسم، عهد فیض خدا را باطل نمی‌سازد.

(سه) "نامختونان جسمانی، مختونان جسمانی را محکوم خواهند کرد (۲۷)". غیریهودیان نامختون مسیحی که شرطهای لازم عهد خدا را بجا آورند، یهودیان مختون را که صاحب مکاشفه مکتوب خدا هستند، اما احکام عهد خدا را زیر پا می‌گذارند، محکوم خواهند ساخت. به همین صورت، در روز داوری نهایی، امتهای ایماندار اهل نینوا بر خواهند خاست و یهودیان بی‌ایمان هم‌عصر با عیسی را محکوم خواهند ساخت (متی ۱۲: ۴۱-۴۲). ایمان امتهای نامختون، بی‌ایمانی یهودیان مختون را محکوم خواهد کرد.

دومین سوال (۲: ۲۵-۲۹) "ماهیت و مقصود واقعی از ختنه جسم چه بود؟"

(S) در زمان ابراهیم، ختنه جسم "نشانه عادل‌شمردگی از طریق ایمان" محسوب می‌شد (رومیان ۴: ۱۱). اما در زمان موسی، ختنه جسم تبدیل شد به "نشانه عادل‌شمردگی از طریق اعمال شریعت" (غلاطیان ۵: ۱-۴).

یک "ختنه جسم بعنوان نشانه عادل‌شمردگی از طریق ایمان". خدا با ابراهیم عهدی حاکی از وعده و فیض بست. در این عهد، او در نهایت لطف خود، سه چیز به ابراهیم وعده داد: نخست، ابراهیم باید پدر اقوام بسیاری می‌گشت. ذریت او به تعداد ستارگان آسمان و ریگهای کنار دریا کثیر می‌شدند. و خداوند، خدای ذریت او می‌شد. دوم، خدا سرزمین کنعان را به فرزندان ابراهیم می‌بخشید. این دو وعده در زمان فتح سرزمین کنعان بدست یوشع تحقق پیدا کرده بود (یوشع ۲۱: ۴۳-۴۵ و ۲۳: ۱۴-۱۶). سوم، خدا جمیع امتهای زمین را از طریق ذریت (نسل) او برکت می‌داد (پیدایش ۱۲: ۱-۳ و ۷: ۱۵ و ۱-۶ و ۱۸-۲۱: ۱۷؛ و ۱۴-۱: ۱۷ و ۲۲: ۱۷-۱۸). ابراهیم به خدا ایمان آورد و خدا این را برای او عدالت به حساب آورد (پیدایش ۱۵: ۶). خدا ختنه جسم را بعنوان نشانه و مهر عهد وعده‌های خود و فیض خود به ابراهیم بخشید. بنابراین ختنه جسم، "نشانه و مهری بود مبنی بر اینکه خدا انسانها را از طریق ایمان عادل می‌شمارد" (رومیان ۴: ۱۱). مختونان جسمانی موظف بودند تا این عهد مبنی بر وعده‌ها و فیض خدا را نگاه دارند. آنها موظف بودند تا بعنوان انسانهایی که با ایمان عادل شمرده شده‌اند زندگی کنند، یعنی بعنوان قوم خدا در این جهان.

با وجود این، ختنه ظاهری جسم دارای معنایی باطنی و روحانی نیز بود. غلفه‌ای که بریده می‌شد، نماد ناپاکی بود و ختنه جسم اشاره‌ای بود به ختنه روحانی دل انسان. بریده شدن ناپاکی بدن (جسم)، نماد بریدن ناپاکی دل بود (تثنیه ۱۰: ۱۶ و ۳۰: ۶؛ و ارمیا ۴: ۴). بنابراین ختنه جسم، نماد "تولد دوباره از طریق روح‌القدس بود". انسانی که از ایمان عادل شمرده می‌شد، هم‌زمان بصورت روحانی نیز، در دل خود توسط روح‌القدس مختون می‌گشت. ختنه جسمانی او نشانه و مهر ظاهری و

مرئی خدا بود مبنی بر اینکه او برآستی تولد تازه یافته و عادل شمرده شده و به قوم خدا تعلق دارد. تنها با این مفهوم روحانی است که ختنه همچنان می‌تواند ارزشمند تلقی شود (رومیان ۲: ۲۵). با وجود این، هر چند ختنه روحانی دل، همیشه عمل روح القدس است، اما ختنه جسم همیشه عمل دست انسانها خواهد بود.

(دو) "ختنه جسم بعنوان نشانه عادل‌شمردگی از طریق اعمال شریعت". بیش از ۴۰۰ سال "پس از" ابراهیم، ختنه جسم، از عهد فیض "مستقل شد" و به احکام تشریفاتی موسی "پبوست" (لاویان ۱۲: ۳ و یوحنا ۷: ۲۲). اینک یهودیان دیگر به ختنه تن (جسم) به دیده نشانه و مهر مختون بودن روحانی در دل، نمی‌نگریستند بلکه آن را بعنوان "پیمان خدا قلمداد می‌کردند که بر اساس آن خدا قرار بود تا حیات ابدی را به مطیعان شریعت "در مفهوم احکام اخلاقی، احکام تشریفاتی و احکام مدنی حکومت اسرائیل" ببخشد. یهودیان به نادرست لاویان ۱۸: ۵ را به این شکل تفسیر کردند. برای یهودیان هم‌عصر با موسی، ختنه جسم تبدیل شد به نشانه و مهری که خدا انسانها را از طریق اعمال شریعت عادل می‌شمرد، هر چند خدا هیچگاه این معنا را برای ختنه جسم قائل نشده بود. کمی بعد پولس تعلیم داد که اگر یهودیان اجازه می‌دادند تا جسمشان مختون شود- بر اساس این باور که با نگاه داشتن احکام عادل شمرده خواهند شد، در آنصورت موظف بودند تا تمام اعمال شریعت را بجا آورند (غلاطیان ۵: ۱-۴). همچنین پولس تعلیم داد که هیچکس نمی‌تواند تمام شریعت خدا را نگاه دارد بی‌آنکه حکمی از آن را زیر پا بگذارد. بنابراین خدا هیچکس را بر اساس نگاه داشتن شریعت عادل نمی‌شمرد.

واضح است که یهودیان عهدجدید، ختنه جسم را طریقی محسوب می‌کردند که بنوعی قادر بود تا عادل‌شمردگی یا نجات آنان را تضمین کند. آنها تعلیم می‌دادند: "اگر بر حسب آیین موسی مختون نشوید، ممکن نیست که نجات یابید" (اعمال ۱۵: ۱). سایر خاخامهای یهودی تعلیم می‌دادند که "هیچ مرد مختونی روی جهنم را نخواهد دید". آنها به همه می‌گفتند: "ابراهیم در برابر دروازه جهنم نشسته است و اجازه نمی‌دهد تا هیچ اسرائیلی مختونی وارد آنجا شود". پس در واقع ختنه جسم تبدیل شد به نشانه جسمانی و ظاهری ملی‌گرایی یهودی.

این تعلیم خاخامهای یهودی بطور قطع بر اساس حقایق کتاب مقدس بنا نشده بود.

سومین سؤال. (۲: ۲۸-۲۹) "یهودی واقعی کیست و ختنه راستین در نظر خدا کدام است؟"

(T) یک) "یهودی واقعی". کلمه "یهودی" از سیبط یهودا اقتباس شده است و به معنای "ستایش" می‌باشد (پیدایش ۲۹: ۳۵ و ۴۹: ۸). یهودی واقعی مشتاق است تا از سوی خدا ستوده شود، درحالیکه یهودی دروغین طالب آن است تا انسانهای دیگر او را بستایند. عیسی یهودیان را بدین علت محکوم کرد زیرا به ظواهر بیرونی وابسته بودند و همواره طالب دریافت ستایش از یکدیگر بودند (یوحنا ۵: ۴۴). پولس یهودیانی را که تنها از لحاظ ظاهری و جسمانی یهودی بودند، یهودی دروغین محسوب می‌کند. در نظر خدا توارث طبیعی از نسل ابراهیم باعث نمی‌شود که کسی برآستی یهودی محسوب شود. "یهودی" اصیل، یعنی ایماندار اصیلی که از سوی خدا ستوده شود، و او به لحاظ خصوصیات ظاهری و فیزیکی نیست که یهودی شناخته می‌شود، بلکه به لحاظ ماهیت درونی و روحانی. "یهودی" اصیل تنها آن است که دلش بدست روح القدس ختنه شده باشد. بنابراین، تنها یک مسیحی است که می‌تواند "یهودی" اصیل محسوب شود. تنها او است که می‌تواند از سوی خدا ستوده شود. یهودیان دروغین، ستایش خود را از انسانهای دیگر دریافت می‌کنند، درحالیکه "یهودیان" اصیل آن را از خدا دریافت می‌دارند.

(دو) "ختنه راستین". ختنه جسمانی در زمان عهدجدید دیگر به منزله نشانه عهد فیض قلمداد نمی‌شد، بلکه تبدیل به مناسک دینی شده بود. نشانه بیرونی و جسمانی ختنه، دربردارنده هیچ ارزش نیست مگر آنکه به‌منزله نشانه‌ای باقی بماند برای افرادی که قبلاً مختون شده بودند، دال بر اینکه بطور روحانی در دل خویش مختون گشته‌اند. عهدجدید بطور صریح تعلیم می‌دهد که ختنه جسمانی منسوخ شده است (افسیان ۲: ۱۵ و کولسیان ۲: ۱۴). "و در مسیح عیسی نه ختنه فایده دارد و نه نامختونی بلکه ایمانی که به محبت عمل می‌کند (غلاطیان ۵: ۶). "نه ختنه چیزی است و نه نامختونی بلکه خلقت تازه" با عادل‌شمردگی از طریق ایمان و تولد تازه از روح القدس. همه انسانهایی که از این قاعده پیروی کنند برآستی "قوم خدا" می‌باشند و "اسرائیل خدا" خوانده می‌شوند (غلاطیان ۶: ۱۵-۱۶؛ ر.ش. دوم قرنتیان ۶: ۱۶).

(S) قدم چهارم. کاربرد.

بیباید پس از تبادل نظر با یکدیگر، از رومیان ۲: ۱۷-۲۹ فهرستی از "کاربردهای امکان پذیر" تهیه کنیم.

(T) از رومیان ۲: ۱۷. هیچگاه درمورد ارتباطتان با خدا فخر نفروشید.

(S) از رومیان ۲: ۲۱. هنگام تعلیم دادن به دیگران، از یاد نبرید که اول به خود تعلیم بدهید.

(T) از رومیان ۲: ۲۲. هرگز در باره چیزی که بدان عمل نمی‌کنید، موعظه نکنید (ر.ش. متی ۲۳: ۳).

(S) از رومیان ۲: ۲۴. به یاد داشته باشید که غیرمسیحیان از طریق اعمال شما خدایتان را مورد قضاوت قرار می‌دهند.

(T) از رومیان ۲: ۲۹. اطمینان حاصل کنید که در دل خود بطور روحانی بدست روح القدس مختون گشته‌اید.

(S) از رومیان ۲: ۲۹. بدنال دریافت ستایش انسانها نباشید، بلکه طالب دریافت تمجید از سوی خدا باشید (دوم قرنتیان ۱۰: ۱۸).

(T) به این فکر کنید که خدا می‌خواهد کدامیک از کاربردهای امکان پذیر را به "کاربردهای شخصی" برای خودتان تبدیل کنید.

(S) کاربرد شخصی برای من این است: می‌خواهم تمام پیام انجیل را اعلام کنم. یعنی باید پیام نجات را از طریق ایمان آوردن به عیسی مسیح، و همینطور پیام داوری را برای کسانی که بی‌ایمان باقی می‌مانند، اعلام کنم. باید در مورد روز داوری نهایی در اعلام پیام انجیل بگنجانم.

(T) کاربرد شخصی برای من این است: می‌خواهم تعلیم دهم که هر نوع نشانه بیرونی، از قبیل تعمید یا شام خداوند در صورتیکه واقعیت باطنی این نشانه‌ها حاضر نباشند، هیچ معنایی ندارد. به همه اعلام خواهم کرد که نیاز دارند تا از طریق ایمان عادل شمرده شوند و اگر خدا بطور روحانی قلبشان را مختون نسازد، در حالت گمشده باقی خواهند ماند.

(S) قدم پنجم . دعا کنید .

بیایید به نوبت، در مورد یک حقیقت که خدا از رومیان ۲: ۱۷-۲۹ به ما آموخته، دعا کنیم.
ای پدر آسمانی و مهربان، مرا واعظی وفادار برای این پیام انجیل بساز. به من کمک کن تا بتوانم طریق نجات را برای دیگران توضیح دهم، اما این هشدار را هم به آنها بدهم که در روز داوری نهایی، خدا هر شخص را برحسب اعمالش داوری خواهد کرد.

(T) ای پدر آسمانی و مهربان، مرا واعظی وفادار برای پیام راستین آیینهای مسیحی بساز. کمک کن تا بتوانم توضیح بدهم که بدون وجود ختنه در دل و عادل‌شمردگی از طریق ایمان، تمام آیینهای ظاهری همچون تعمید، در نهایت فاقد اهمیت می‌باشند. به نام عیسی مسیح. آمین.

(S) تکلیف برای هفته آینده

اول) در یک مشارکت خانگی که در آن بررسی کتاب مقدس انجام می‌شود شرکت کنید. از روش "پنج قدم" بررسی کتاب مقدس استفاده کرده و خود را برای بررسی رومیان فصل ۳ آیات ۱ تا ۲۰، آماده کنید.
دوم) کتابهای دستورعمل "بروید و ملکوت خدا را موعظه کنید" را ملاحظه کرده و به آدرس اینترنتی www.dota.net مراجعه کنید. این آدرس را به حروف تکرار میکنم
سوم) هر شنبه تا چهارشنبه به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " گوش دهید .